

آینهٔ اطلاعات

مجرم از قاطعیت قضائی می‌رسد نه کشت ویزه

● محمد مطهری....چه تعقیب و گریزهای خطرناک و چه جانفشانی‌هایی که نیروی انتظامی برای دستگیری آنان [ارادل و ابواباش] نمی‌کند و شهید هم می‌دهد، ولی متأسفانه گاهی شور زودتر از مأمور به منزل می‌رسد! در این شرایط، به‌راه‌انداختن گشت جدید برای مبارزه با سارقان و ارادل، چه مشکلی را حل می‌کند؟ اینکه قوه قضائیه نیروی خود را صرف رصد کامنت و توییت انتقادی - حتی تخریبی - و پاسخ به آنها و احضار و دادگاهی کردن این و آن کند، بی‌تردید به‌ضرر خودش تمام می‌شود. به‌جای آن، دستگاه قضائی باید اقتدار خود را - بدون ملاحظه هیچ ارتباط و انتساب و انتصابی - بر برخورد قاطع با غارتگران، متجاوزان، زمین‌خواران، مفسدان اخلاقی، قاضی‌های فاسد، شاهدان دروغین، قاچاقچیان، کلاهبرداران و همه کسانی که دمار از روزگار مردم درآورده‌اند، متمرکز کند. در میان ده‌ها میلیون پیام روزانه، این که چند فرد سیاسی در این توییت و آن کانال علیه یا له قوه قضائیه چه بنویسند اهمیت چندانی ندارد، مهم‌تر، میلیون‌ها توییت نامرئی است که هر روز به نفع یا علیه قوه قضائیه در ذهن‌های مردم نقش می‌بندد که محتوایی آن را عملکرد خود دستگاه قضائی تعیین می‌کند و پس.

تازان

استیضاحش کنید

● گویی برخی سعی دارند القا کنند که رای مردم تأثیر چندانی بر تغییر سیاست‌های حاکم در مدیریت‌های شهری و کلان کشور ندارد و در همین راستا همان روندی را در پیش گرفته‌اند که مردم تلاش کردند تغییر دهند. از روزهای آغاز انتصابات در شهرداری تهران، تعداد زیادی از اعضای شورای شهر نسبت به نوع انتصابات در این مجموعه به‌خصوص به‌کارگیری نیروهای نزدیک به تفکر شهردار گذشته تهران انتقاداتی را به محمدعلی نجفی داشتند. به نظر می‌رسد چالش اعضای شورای شهر تهران و شهردار کمی پیچیده‌تر از این است که به نظر می‌رسد. اتفاقی که اگر از هم‌اکنون برایش تدبیری اندیشیده نشود، می‌تواند باعث بروز نابس و نامیدی در بدنه رای این جوامع شورا شود. اعضای شورای شهر، نمایندگان تفکر مردم در بهشت هستند و باید قطب‌نمای خود را با مردم تنظیم کنند. اگر قرار باشد شورای شهر به شورای شهرداری تبدیل شود، اتفاقی بدتر از دوران شورای قبل با شهرداری رقم می‌خورد. سخن این است که یک پایان تلخ بهتر از تلخی بی‌پایان برای روابط شورا و شهرداری می‌تواند باشد.

چالش اقلیم

● کشمکش‌های غالباً حبقری که در کشور ما جریان دارند، چند معارضه و چالش بزرگ را زیر غبار خود محو می‌کنند. این چالش‌های بزرگ و اساسی که با سرنوشت فلات و مردم ایران پیوند خورده‌اند در حوزه‌های فرهنگ و اقلیم، اقتصاد و سیاست فراوانند و از میان آنها به باور بسیاری از خبرگان، چالش اقلیمی، بزرگ‌ترین خطری است که این حوزه تمدن را در قرن ۲۱ تهدید می‌کند. محور این چالش، آب است. هشدارهای اهل نظر درباره اینکه ایران با خطر کمبود آب در اثر خشک‌سالی و بدمصرفی روبه‌رو است در حدی که هر خفته‌ای را بیدار کند داده شده است، اما متأسفانه ساختار سیاسی کشور توان بیرون‌آمدن از غفلت بی‌توجهی به مسائل بنیادین و غرق‌شدن در نزاع حقیر بر سر ابزارهای قدرت را ندارد. تأسف بیشتر در این است که مدیریت کلان کشور نیز به این بی‌توجهی آلوده است و آنچه را می‌توان به عنوان وظیفه‌اش تعریف کرد انجام نمی‌دهد. ما فقط زمانی می‌توانیم اقدام بنیادین و بدون تاریخ مصرف برای رویارویی با چالش‌های اقلیمی داشته باشیم که برنامه و اقدام ما به آمد و رفت دولت‌ها وابستگی نداشته باشد.

کیم‌تان

آن‌مرد باارائی نیامد!

● ...ماجرای عضو زندانی‌شده تیم هسته‌ای یکی دیگر از این نمونه‌های تأسف‌آمیز و عبرت‌انگیز است، علی‌رغم محکومیت این عضو تیم مذاکرات هسته‌ای، هنوز هیچ‌کس مسئولیت آن را بر عهده نگرفته است و اساساً خود را ملزم به پاسخ‌گویی نمی‌داند. کریمی‌قدوسی نماینده مجلس شورای اسلامی اخیراً گفته بود ایشان به طرف مقابل گفته بود که خط قرمز ایران درباره تعداد سانتریفیوژها کجاست! در صورت صحت این مطلب - که تاکنون از سوی مسئولان و مطلعان تکذیب نشده است- می‌توان تصور کرد مذاکرات چه فاجعه‌ای بوده است، متأسفانه منافع ملی کشور دستخوش تغافل و تجاهلی است که هر چند وقت یک بار آثار این روند تا حدی بروز پیدا می‌کند و دست‌اندرکاران امر نیز برای فرار از مسئولیت و پاسخ‌گویی به ماله‌کشی و سروش‌گذاشتن به پرونده‌ها روی می‌آورند. آیا به‌راستی جا نداشت یک مقام مسئول دولتی به خاطر تشویق این عضو خط‌اکار و اعطای مسال به او، از مردم غدرخواهی ساده‌های کند؟ ظاهراً تصور بعضی از مسئولان از جاسوس و نفوذی، همان شخصیت‌های فیلم‌های هالیوودی است. مأموری کسدار با بارانی و کلاه‌ی که لبه آن را پایین داده و در پس‌کوپه‌ای با رابط خود قرار می‌گذارد و اطلاعات را با جواهر نامرئی می‌نویسد!

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

به یاد کودکِ آواره فلسطینی

سیدعلی حسینی

بچه ناگهان دستش را از دست پدر رها کرد و دبستان درس می‌خواندم. در مدرسه‌ای در زادگاهم «نور»، در کنار دریای مازندران که در آن زمان شهر کوچکی بود. آن روز اواسط پاییز بود و آسمان ابری و گرفته. رنگ تفریح بود و بچه‌ها سرگرم بازی و شادی کودکانه. سروصدای شادی بچه‌ها فضا را پر کرده بود. من هم با همکلاسانم گرم بازی بودم. حیاط مدرسه ما در نسبت کوتاهی داشت که در تمام روز باز بود. ناگهان پدری میان سال دست در دست پسری خردسال - هفت، هشت ساله - با دشداشه سفید رنگ‌ورورفته و پاپوش پاره، خسته از رنج و راه سفر، در آستانه در حیاط ظاهر شدند و توقفی کرد. ظاهراً پدر وقتی جست‌وخیزهای شادمانه بچه‌های مدرسه را دید، به تردید افتاد که نکند وقت مناسبی نباشد و شادی کودکانه بچه‌های مدرسه، بچه‌اش را حسرت‌بدل کند.

اما سرانجام وارد حیاط شدند. یکباره نگاه‌ها به طرف پدر و پسر برگشت. بچه‌ها که تا آن زمان کسی را با این شکل و شمایل - لباس سفید بلند بر تن - ندیده بودند، متعجب لحظه‌ای دست از بازی کشیدند... ولی پس از چندی همچنان سرگرم بازی شدند.

مدیریت جهان با روان گردان

غلامرضا هاشمی‌فرد

محمود احمدی‌نژاد که در دوران ریاست‌جمهوری‌اش اعلام کرده بود «بیش از صد سیاست‌مدار جهان از من مدیریت جهان را درخواست کردند»، این‌روزها بنا بر گفته فاضل موسوی عضو کمیسیون اصل نود مجلس، با هفت محکومیت قطعی در ارتباط با ۱۱ میلیارد تومان تخلف روبه‌روست. نزدیکان او هم البته زنبیلشان پر از اتهامات مختلف است. اسفندیار رحیم‌مشایی مشاور و رئیس دفتر سابق احمدی‌نژاد، با اتهام تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، توهین به مسئولان و تبلیغ علیه نظام روبه‌روست. حمید بقایی معاون اجرائی احمدی‌نژاد در دوران ریاست‌جمهوری وی، که با اتهامات سنگین مالی روبه‌روست، در تیرماه امسال برای دومین‌بار بازداشت ولی با وثیقه ۲۰ میلیاردتومانی آزاد شد. به گفته محمدعلی پورمختار نماینده مجلس، بقایی در یک مورد با اتهام ناپدیدشن سه‌میلیون و ۷۰۰ هزار یورو از پول برگزاری کنفرانس جنبش عدم تعهد که در اختیار او بوده، مواجه است.

به‌طورکلی اتفاقاتی را که توسط احمدی‌نژاد و یارانش موسوم به دولت بهار، در روزهای اخیر شکل گرفته، می‌توان در دو مورد خلاصه کرد: اول، احمدی‌نژاد به همراه مشایی، بقایی و جوافکر مشاور مطبوعاتی احمدی‌نژاد، در اعتراض به روند رسیدگی به پرونده بقایی از سوی قوه قضائیه، در حرم شاه عبدالعظیم بست نشنستند در نهایت پس از چهار روز و بعد از درگیرشدن با افرادی که کانال دولت بهار از آنها به‌عنوان «لباس‌شخصی»

politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

پژواک

پژواک

پژواک

بی‌گانه هم آواره فلسطینی است. مادرش و دیگر افراد خانواده در هنگام دفاع از خانه و کاشانه‌شان کشته شدند. پدر تنها و درمانده این‌گونه او را در سرما و گرما به دندان گرفته و بی‌کس و بی‌پناه دیار به دیار و شهر به شهر با خود می‌گرداند. ما هم در حد توانمان پولی جمع و به آنها کمک و راهیشان کردیم. اینها گدا نیستند؛ معلم ما با تأکید می‌گفت: «اینها گدا نیستند!»
در آن سال‌ها درک چندانی از عمق فاجعه نداشتم. بعدها که به دانشگاه راه یافتم و مطالعات و اطلاعاتم در این‌باره بیشتر شد و گاه در سالگردها اعلامیه‌هایی از اوضاع اسفبار فلسطینیان بر دیوار بیرونی شمالی مسجد دانشگاه تهران می‌دیدم، بیشتر دانستم که چه فاجعه هولناکی روی داده است؛ بر عمق رنج‌ها و مصایب فلسطینیان آگاه شدم و دانستم که بعد از جنگ جهانی دوم، استعمار انگلیس با اعلامیه ظالمانه و تک‌تبار ۱۹۴۸ بافلسور و با همراهی قدرت‌های دیگر چه بر سر فلسطینیان بیچاره آورده است و فلسطینیان بی‌گناه در ازای جانیات هولوکاست نازی‌ها چه تاوان سنگینی پرداختند و چگونه با قساوت و شقاوت تمام خانه و کاشانه و وطنشان به تاراج رفت.

خنثی کردن بحران منطقه‌ای

حبیب عشایری

و سیاسی و شکستن قفل بسیاری از تحریم‌ها و گسستن ائتلاف جهانی علیه ایران، با روی کارآمدن ترامپ در ایالات متحده آمریکا، عملاً با رهبری آمریکا ائتلاف جدید ضدایرانی متشکل از عربستان، اسرائیل و برخی از کشورهای عربی شکل گرفت و استیلای بن‌سلمان نیز در عربستان سعودی بر شدت و حدت کینه‌توزی علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده شد. اکنون مدت‌هاست که شعله جنگ و نفاق و آشوب در منطقه خاورمیانه برافروخته شده و کینه‌ورزی و عداوت برخی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ضد کشورمان فزون‌تر شده است.
از دیگر سو دولت دوازدهم نیز با مشکلات مختلفی درحوزه‌های گوناگون اقتصادی و مالی درسطح داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کند. ضمن آنکه تجربه هشت سال جنگ تحمیلی و تبعات ناشی از آن نیز بر ذهن هر ایرانی سنگینی می‌کند.
در چنین شرایطی باید با اتکا به تدبیر و عقل دیپلماتیک مذاکرات منطقه‌ای را بیش‌ازپیش در اولویت قرار داد و از حداکثر توان و انرژی خود برای حل‌وفصل مناقشات منطقه‌ای بهره گرفت. اتخاذ رویکردی واحد و مشترک در عرصه سیاست خارجی نیز به‌عنوان شیوه‌ای هوشمندانه در راستای برقراری ثبات نسبی در منطقه خواهد بود. علاوه‌برآن تلاش برای حفظ وحدت و انسجام داخلی نیز بر تمرکز ما خواهد افزود.

پژواک

پژواک

غلامرضا منصوری

خیانت کند. او در چهارم سپتامبر با نیروهای ائتلاف که در استان مارب مستقرند پیمان بست و قرار گذاشت صالح از صنعا فرار کرده و به آنها بپیوندد تا در مقابل حوثی‌ها قرار گیرد. البته آخرین خیانت او این‌بار به قیمت جانش تمام شد.
داستان خیانت‌ها و پشت‌کردن‌های حکام مستبد همین است.
دلیل این چرخش‌های توفانی و خیانت‌بار هم معلوم است، چراکه مرجعان منطقه هیچ تلاشی برای درک این گزاره که (اصالت قدرت سیاسی از آن مردم است) نمی‌کنند. آنها یادآورده خشونت و خیانت هستند و با همان باده‌ها نیز جابه‌جا می‌شوند.

ازاین‌روی اینکه برخی‌ها به‌سادگی ادعا می‌کنند تحولات استراتژیکی در منطقه در حال وقوع است و شاهزاده گستاخ سعودی خواب‌های جدیدی برای منطقه دیده است، چندان پذیرفتنی نیست چراکه بسیاری از اتفاقات منطقه را در غیاب گفتمان‌های سیاسی کارآمد و مردمی، همین تصمیمات دفعتی و لحظه‌ای حاکمان و حتی خود مردم می‌سازند. فراموش نکنید سرنوشت بیداری اسلامی در لیبی چه شد، در تونس چه وضعی به خود دید، مصر را ببیند که ورق بازهم به نفع دیکتاتورها برگشت و... .

به نظر می‌رسد همه ماجراهایی که این روزها از عربستان شروع می‌شود و به منطقه تسری می‌یابد را باید در این جمله خلاصه کرد، شاهزاده می‌خواهد شاه شود و تحت استرس این آرزو، واکنش‌های هیجانی زیادی از خود به رویدادهای سیاسی منطقه بروز می‌دهد. او می‌خواست ولیعهد شود، جنگ علیه یمن را آغاز کرد و همین چند روز پیش بود که نادمانه، از سازمان ملل خواسته بود میانجی‌گری کند و ماجرا فیصله یابد و این نمی‌توانسته چیزی جز هوس زودگذر بن سلمان باشد. آن زمان هم که می‌خواست به جای سلمان بنشیند، قطر را به محاصره کشاند و شاهزادگان را در بند کرد و... این ماجراها ادامه دارد... .

پژواک

روزنه

از دیپلماسی آزادی آذربایجان تا دیپلماسی تقسیم دریای کاسپین

مهرداد میرسنجری

● در آستانه هفتادویکمین سالگرد آزادسازی آذربایجان از اشغال بیگانه‌پرستان تجزیه‌طلب که با اتحاد مردم و ارتش و دولت به انجام رسید، نقش یک دیپلمات برجسته به نام احمد قوام با وجود تمام نقاط سیاه و سفید زندگی‌اش، با نقش‌آفرینی و گفت‌وگوی ارزشمند و هوشمندانه‌اش با شوروی قدرتمند تازه پیروزشده در جنگ جهانی، در تاریخ ایران جاودانه شد.

اما در آستانه هفتادویکمین سالگرد بازگشت آذربایجان، سخنانی از یک دیپلمات مسئول وزارت خارجه درباره سهم ایران در دریای کاسپین منتشر شده که نگرانی بسیاری از اندیشمندان ایران‌خواه را به همراه داشته است. ابراهیم رحیم‌پور، معاون آسیا، اقیانوسیه و مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه، در گفت‌وگو با ایسنا گفته:

– اینکه نصف دریای خزر سهم ایران است یا اینکه سهم کشورمان از این دریا ۲۰ درصد است، با منطق حقوقی و بین‌المللی سازگار نیست (!). – روسیه با وسعت ۱۷ میلیون کیلومترمربع، در توافقی که بین این کشور و قزاقستان به صورت دوجانبه انجام شد، سهمش از بستر و زیر بستر این دریا حدود ۱۸ درصد و قزاقستان حدود ۳۲ درصد در نظر گرفته شده است.

– قرار نیست بستر و زیر بستر دریای خزر نصف یا به پنج قسمت مساوی تقسیم شود.

– درباره حوزه‌هایی که ابهام وجود دارد و بین ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان مشترک است (منظور حوزه البرز ایران که باکو با ادعا نسبت به آن، برای آن نام آلو را به کار می‌گیرد و حوزه چراغ)، تلاش این است که با رفع ابهامات، بتوانیم به صورت مشترک و با سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه استخراج داشته باشیم (!).

با توجه به اینکه از مجموع سخنان این مقام رسمی وزارت خارجه، به‌سختی می‌توان تمایز حداکثری و دفاع از منافع ملی ایران در دریای کاسپین را برداشت کرد، بنابراین برای آگاهی برخی مسئولان و نیز تدویر افکار عمومی، بیان نکات حقوقی زیر در راستای منافع ملی نسل‌های ایرانی، حقیقی است.

۱- اصل «جانشینی دولت‌ها» در مسئله حقوقی دریای کاسپین

بر اساس قوانین حقوقی بین‌الملل، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت‌های جدید طبق اصل «جانشینی دولت‌ها» وارث نظام حقوقی موجود هستند و بنابراین قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی تعهدات مشابهی را برای دولت‌های جدید به وجود می‌آورد.

این در حالی است که ایران در تقسیم‌کشور شوروی به چهار کشور در ساحل دریای مازندران، هیچ نقشی نداشته و بسیار متضرر شده است و این کشورها بی‌اعتنا به حقوق ملت ایران، راه خود را می‌روند و ایران را از محقق دور نگه داشته‌اند؛ بااین‌حال «اصل جانشینی دولت‌ها» در حقوق بین‌الملل پاسخ بسیاری از ابهامات را می‌دهد.

۲- بر اساس قوانین و حقوق شناخته‌شده بین‌المللی، دریای کاسپین رژیم حقوقی مدون و مشخصی دارد و طرفین، یعنی جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق، با حقوق مساوی، مشترک و متشاع در تمام منابع و حقوق متصوره اعم از سطح دریاچه، منابع آبی، بستر و زیربستر آن، ذی‌حق بوده و خواهند بود، البته با رعایت حق انحصاری ۱۰ مایل ساحلی، آن‌هم فقط برای ماهیگیری.

۳- با توجه به قراردادهای منعقدشده در سال‌های گذشته بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی، دیپلماسی‌ای که اولویت دارد، این است که بر سر تبیین و تکمیل رژیم حقوقی موجود، به‌ویژه حل مسئله محیط زیست دریا و لزوم پرداخت غرامت از سوی آلوده‌کنندگان اکوسیستم آبی دریای کاسپین، گفت‌وگو انجام شود؛ نه بر سر تعیین رژیم حقوقی جدید.

۴- به‌کارگیری عبارت «تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین»، شیطنتی هماگن‌شده از سوی چهار کشور برجای‌مانده از شوروی پیشین علیه ایران است؛ چراکه ایرانیان را از موضع یک در برابر یک (یعنی چهار کشور ساحلی می‌راث‌دار متعده قراردادهای سابق شوروی هستند) به موضع ضعیف و شکننده یک در برابر چهار قرار خواهد داد.

۵- مسائل و معضلات بزرگ محیط‌زیستی دریای مازندران که از سوی کشورهای ساحلی آن به ایران تحمیل می‌شود، متأسفانه حساسیت لازم را برانگیخته نکرده است که باید در تکمیل رژیم حقوقی فعلی، به آن توجه کرد.

۶- ناتوانی در احقاق حق، نافی وجود حق نیست؛ بنابراین برخلاف نظر برخی که مصرانه منکر حق ۵۰درصدی ایران هستند، این حق در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ گنجانده شده، حتی اگر ایران در این سال‌ها نخواست به‌شدت با نتوانسته باشد از این حقوق مسلم خود استفاده کند. براساس این، ناتوانی یا تمایل‌نداشتن به استفاده ایران، نمی‌تواند توجیهی برای وجودنداشتن این حقوق برای ایران تلقی شود.